

ارتباط بین انسان‌نگاری و دل‌بستگی به اشیاء با رفتارهای اختکاری: نقش میانجی شناختارهای اختکاری

فرشته دهقانی درمیانی*، قاسم آهی**✉ و

فاطمه شهابی‌زاده***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش انسان‌نگاری و دل‌بستگی به اشیاء در پیش‌بینی رفتارهای اختکاری با نقش میانجی شناختارهای اختکاری انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند. تعداد ۲۸۸ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه رفتار اختکاری تجدیدنظر شده، پرسشنامه شناختارهای اختکاری، پرسشنامه دل‌بستگی دوجانبه و پرسشنامه انسان‌نگاری بود. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که دل‌بستگی به اشیاء به‌طور مثبت و معنادار با جنبه‌های اختکار رابطه دارد، درحالی‌که انسان‌نگاری با جنبه‌های شناختی و رفتاری اختکار رابطه‌ای نداشت. یافته‌های مربوط به بررسی نقش میانجی نشان داد که در مدل پیشنهادی فقط متغیر دل‌بستگی به اشیاء در این ارتباط نقش میانجی دارد. این یافته‌ها از مدل‌های شناختی-رفتاری حمایت می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که شناختارهای مربوط به متعلقات، نقش مهمی را در رشد و حفظ مشکلات مربوط به اختکار بازی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: انسان‌نگاری، اختکار، دل‌بستگی به اشیاء

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران

** استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران

majidonline_1359@vatanmail.ir

*** استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند، بیرجند، ایران

- این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه نویسنده اول است.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶-۰۶-۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷-۰۸-۱۳

مقدمه

رفتارهای احتکاری از طریق مشکلات مداوم و شدید در دور ریختن متعلقات صرف‌نظر از ارزش واقعی آن‌ها مشخص می‌شود (تیمپانو و شاو^۱، ۲۰۱۳) و مبتلایان به اختلال احتکار نشانگان ذهنی و درونی مانند اصرار به جمع‌آوری کردن و مشکل در دور ریختن اشیاء، همچنین سطوح بالایی از انباشتگی متعلقات را گزارش می‌کنند (دوزیر و آیرز^۲، ۲۰۱۷). احتکار منجر به اشغال فضاها و زندگی می‌شود و با نقص‌های مهمی در عملکرد شغلی، مالی و بین فردی مرتبط است (ماتز، پرترو، گیبی، کینگ^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). مبتلایان به نشانگان احتکاری در مقابل مبتلایان به وسواس-اجباری علائم شدیدتر و پاسخ‌های ضعیف‌تری به درمان‌های شناختی-رفتاری و دارودرمانی مورد استفاده در وسواس-اجباری را دارند و بنابراین نیاز برای شناسایی ویژگی‌های آن‌ها را نشان می‌دهد که در پیش‌آگهی نشانگان احتکاری نقش دارند (ساملز، بیثو، کراسنوف، وانگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۷).

با توجه به آنچه گذشت نیاز فوق‌العاده‌ای برای شناسایی فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده رفتارهای احتکاری وجود دارد؛ زیرا فاکتورهای غالب‌تر می‌توانند به‌منظور افزایش کارایی مداخلات درمانی هدف قرار گیرند (تیمپانو و اشمیت^۵، ۲۰۱۰). فراست و هارتل^۶ (۱۹۹۶) معتقدند که الگوهای شناختی رفتاری احتکار چهار مؤلفه کلیدی دارد. این مؤلفه‌ها عبارت هستند از: کارکرد اجرایی ضعیف، باورهای اشتباه درباره ماهیت متعلقات و خود، دل‌بستگی به اشیاء و اجتناب رفتاری. پژوهش‌های دیگر به فاکتورهایی نظیر کمال‌گرایی، تحمل‌ناپذیری بلا تکلیفی و حساسیت اضطرابی اشاره داشته‌اند. جنبه کاملاً مستند که شواهد حمایتی قوی را نیز به همراه داشته است، دل‌بستگی افراطی به اشیاء است (نقل از نیوا، تیسون، مک اینز و همپلتون^۷، ۲۰۱۶).

دل‌بستگی به اشیاء، به‌عنوان ارتباط نزدیکی تعریف می‌شود که فرد با اشیاء خاص ادراک

-
1. Timpano and Shaw
 2. Dozier and Ayers
 3. Mathes, Portero, Gibby and King
 4. Samuels, Bienvenu, Krasnow and Wang
 5. Timpano and Schmidt
 6. Frost and Hartl
 7. Neave, Tyson and McInnes

می‌کند و نقش مهمی در زندگی فرد دارد (افشار^۱، ۲۰۱۴). دل‌بستگی به اشیاء از طریق مجموعه‌ای از طرحواره‌ها ظاهر می‌شود و افراد با دل‌بستگی قوی به اشیاء مجموعه رفتارهای روان‌شناختی خاصی را نشان می‌دهند (تامسون، مک اینز و پارک^۲، ۲۰۰۵). نیوا، جکسون، ساکتون و هانکوپ^۳ (۲۰۱۵) گزارش کردند که رفتارهای احتکاری از دل‌بستگی افراطی به اشیاء ناشی می‌شوند. در راستای این یافته‌ها نیوا و همکاران (۲۰۱۶) گزارش کردند که دل‌بستگی به بزرگسال و انسان‌نگاری پیش‌بینی کننده شناختارها و رفتارهای احتکاری بودند. مقیمی^۴ (۲۰۱۳) گزارش کرد که رفتارهای احتکاری با اشیاء به ارزش مادی و مشکلاتی بستگی دارد که این تمایل و دل‌بستگی به متعلقات مادی در زندگی ایجاد می‌کند. گریشام، فراست، استکتی، کیم^۵ و همکاران (۲۰۰۹) گزارش کردند که دل‌بستگی اولیه به اشیاء شاخص دل‌بستگی بعدی است و رفتارهای نگهداری و باورهای مرتبط با احتکار از طریق خط پایه دل‌بستگی اولیه پیش‌بینی می‌شوند. چریر و پانور^۶ (۲۰۱۰) معتقدند که دل‌بستگی به اشیاء به عنوان نماد پیوستگی با دیگران محسوب می‌شود و احساس امنیت مالکیت شخصی را فراهم می‌آورد. این یافته‌ها نیاز به شناسایی فاکتورهایی را نشان می‌دهند که در دل‌بستگی به متعلقات و همچنین پردازش‌های مرتبط با اطلاعات دل‌بستگی نقش دارند.

انسان‌نگاری فاکتور بالقوه دیگری که در نشانه‌شناسی رفتارهای احتکاری بررسی شده است. انسان‌نگاری به عنوان تمایل به رنگ و بو دادن به رفتارهای حیوانی یا اشیاء بی‌جان با ویژگی‌های شبه انسان از جمله انگیزش‌ها، اهداف و هیجانات انسانی تعریف می‌شود (راسچنبل و آیوا^۷، ۲۰۱۴). انسان‌نگاری یک فرایند روان‌شناختی خودآیند است. با این حال افراد هرچیزی را انسان‌نگاری نمی‌کنند و شخصیت‌بخشی به همه اشیاء یکسان نیست (وانگ^۸، ۲۰۱۷). پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که انسان‌نگاری می‌تواند رفتار، توجه و رضایت افراد را

-
1. Afshar
 2. Thomson, MacInnis and Park
 3. Neave, Jackson, Saxton and Honekopp
 4. Moghimi
 5. Grisham, Frost, Steketee and Kim
 6. Cherrier and Ponnor
 7. Rauschnabel and Ahuvia
 8. Wang

تحت تأثیر قرار دهد (کاریا^۱، ۲۰۱۷). کفر^۲ (۲۰۱۶) معتقد است افرادی که دارای تمایلات انسان‌گرایانه قوی‌تری هستند، همان امنیتی را که در دیگران از بودن کنار نزدیکان به دست می‌آید، این افراد از اشیاء به دست می‌آورند. یافته‌های تیمپانو و شاو (۲۰۱۳) گزارش کردند که تمایلات انسان‌انگاران با نشانگان احتکاری شدیدتر مرتبط هستند، به علاوه نمرات بالاتر در تمایلات انسان‌انگاران با دل‌بستگی هیجانی به عنوان شاخص شناختارهای احتکاری ارتباط بالایی داشت. همچنین نیوا و همکاران (۲۰۱۵) گزارش کردند انسان‌انگاری و نه تفاوت‌های فردی در انسان‌انگاری شاخص معنادار رفتارهای احتکاری است. مشابهاً نوربرگ، کران، کووک و گریشام^۳ (۲۰۱۸) گزارش کردند که عدم تحمل ناپذیری درماندگی و تمایلات انسان‌گرایانه با مؤلفه نگهداری افراطی در احتکار همبسته است.

نشانگان احتکار در گستره‌ای از وضعیت‌های پزشکی از جمله اسکیزوفرن، افسردگی، بی‌اشتهایی عصبی و... بررسی شده است (رید، آرنولد، روزن، ماسون^۴ و همکاران، ۲۰۱۱). با این حال بررسی‌های همه‌گیرشناسی اخیر نشان می‌دهد که مشکلات احتکاری ممکن است در جمعیت‌های عمومی نیز به طور شگفت‌انگیزی شایع باشد. شیوع گستره عمر این اختلال بین ۲ - ۱۴ درصد گزارش شده است (پرتوزا، فراست، فولانا، ساموئلز^۵ و همکاران، ۲۰۱۰). بر این اساس این پژوهش به دنبال بررسی و شناسایی مکانیزم‌های احتمالی درگیر در احتکار یعنی «انسان‌انگاری و دل‌بستگی به اشیاء» در یک جمعیت عادی (دانش‌آموزان مقطع دبیرستان) است. شمارچالش‌هایی که دانش‌آموزان در مقطع دبیرستان با آن مواجه می‌شوند، بسیار متعدد است (وان اپس^۶، ۲۰۱۵) و سبب می‌شود تا بسیاری از دانش‌آموزان نسبت به مشکلات هیجانی آسیب‌پذیر باشند. این مسأله ضرورت پژوهش حاضر را بیشتر و شناسایی مکانیزم‌های پیش‌بین مؤثر در شکل‌گیری، بروز و تداوم آسیب‌های روانی از جمله احتکار را نشان می‌دهد. اگر این ارتباط و در نهایت مدل پژوهشی تأیید شود با توجه به اینکه مداخلات روان‌شناختی برای

-
1. Karia
 2. Keefer
 3. Norberg, Crone, Kwok and Grisham
 4. Reid, Arnold, Rosen and Mason
 5. Pertusa, Frost, Fullana and Samuels
 6. Van Epps

بهبود و درمان متغیرهای پیش‌بین در ادبیات پژوهشی پیشنهاد شده است، می‌توان به تقویت، بهسازی و در نهایت شکفتگی نیروی انسانی در کل و به طور خاص دانش‌آموزان امید داشت. به علاوه بررسی بیشتر فاکتورهای درگیر در سبب‌شناسی و حفظ نشانگان احتکار کاربردهایی برای طبقه‌بندی این اختلال در نظام‌های آماری و تشخیصی اختلالات روانی دارد (شاو، ۲۰۱۳). براین اساس، این پژوهش باهدف پاسخگویی به این سؤال انجام می‌شود که آیا شناختارهای احتکاری در ارتباط بین انسان‌نگاری و دل‌بستگی به اشیاء با رفتارهای احتکاری نقش میانجی دارد؟ و با توجه به سؤال پژوهشی این فرضیه مطرح شد که مدل مفهومی ارتباط بین انسان‌نگاری و دل‌بستگی به اشیاء با رفتارهای احتکاری با نقش میانجی شناختارهای احتکاری با داده‌ها برازش دارد.

روش

پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است و با رویکرد مدلیابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان مقطع دبیرستان شهر بیرجند در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ بودند که تعداد آن‌ها ۲۱۳۰ نفر بود. از آنجا که روش‌شناسی مدلیابی معادلات ساختاری تا حدود زیادی با برخی از جنبه‌های رگرسیون چند متغیری شباهت دارد، حدود ۲۰ نمونه برای هر عامل لازم است (حبیبی، ۱۳۹۱) و بر این اساس حجم نمونه ۲۴۰ نفر برآورد شد؛ اما با توجه به احتمال افت نمونه و عدم بازگشت پرسشنامه‌ها ۲۵ درصد به حجم نمونه افزوده و بدین ترتیب حجم نهایی نمونه ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شد. بدین ترتیب که ابتدا لیست مدارس تهیه شد، سپس از لیست انتخابی به صورت تصادفی ده رشته و از هر رشته دو کلاس انتخاب شدند. ابزار استفاده‌شده در پژوهش عبارت هستند از:

پرسشنامه رفتار احتکاری تجدیدنظر شده^۱: این پرسشنامه یک شاخص خود گزارش‌دهی ۲۳ گویه‌ای است (فراست، استکتی و گریشام، ۲۰۰۴). پاسخ‌دهندگان گویه‌ها را بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی می‌کنند. پرسشنامه سه خرده مقیاس نگهداری^۲، مشکل

-
1. Saving Inventory Revised
 2. acquisition

دور ریختن^۱ و به هم ریختگی^۲ (درهم‌برهم) دارد. ضریب همبستگی نمره کل آن با نمره کلی شناخت‌های ذخیره‌ای^۳ و خرده مقیاس‌های سه‌گانه آن به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۵۳، ۰/۷۲ و ۰/۶۷ و گزارش شد. پایایی برحسب آلفای کرونباخ و بافاصله چهار هفته برای نمره کل رفتار احتکاری و خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۷۸، ۰/۹۰ و ۰/۸۹ و به شیوه همسانی درونی ۰/۸۷ گزارش شد (فراست و همکاران، ۲۰۰۴). این پرسشنامه را در ایران محمدزاده (۱۳۸۸) هنجاریابی کرده است. تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی، ساختار سه عاملی فوق را تأیید کرد. به علاوه پایایی به روش بازآزمایی و همسانی درونی به ترتیب ۰/۹۱ و ۰/۸۷ برآورد شد. در پژوهش حاضر نتایج تحلیل عاملی اکتشافی ساختار سه عاملی را استخراج کرد که روی هم‌رفته ۴۰/۲۱ درصد از واریانس را تبیین کرد. آلفای کرونباخ برای عامل اول با ۹ گویه ۰/۷۹، دوم با ۷ گویه ۰/۷۹ و سوم با ۵ گویه ۰/۷۱ محاسبه شد. سؤال ۱۰ و ۱۳ روی هیچ‌یک از عوامل سه‌گانه بارگذاری نشدند یا بر روی عامل‌های مذکور بار عاملی کم‌تر از ۰/۴۰ داشتند.

پرسشنامه شناختارهای احتکاری: پرسشنامه شناختارهای احتکاری^۴ یک مقیاس ۲۴ گویه خود گزارش‌دهی است که استکتی و فراست (۲۰۰۳) تهیه کردند. این شاخص شامل ۴ خرده مقیاس دل‌بستگی هیجانی^۵، کنترل^۶، حافظه^۷ و مسئولیت‌پذیری^۸ است. گویه‌ها بر روی یک مقیاس ۷ درجه‌ای از اصلاً تا خیلی زیاد درجه‌بندی می‌شوند. استکتی و فراست (۲۰۰۳) همبستگی بین نمره کلی شناختارهای احتکاری و خرده مقیاس‌های چهارگانه آن با مقیاس وسواسی- اجباری بیل- براون^۹ به ترتیب ۰/۵۲، ۰/۴۵، ۰/۵۷، ۰/۴۳ و ۰/۴۳ گزارش شد. همچنین آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های چهارگانه به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۸۶، ۰/۸۹ و ۰/۹۰ گزارش شد. در پژوهش حاضر نتایج تحلیل عاملی اکتشافی ساختار چهار عاملی را استخراج

-
1. difficulty discardin
 2. clutter
 3. Saving Cognitions
 4. Saving Cognitions Inventory
 5. emotional attachment
 6. control
 7. memory
 8. responsibility
 9. Yale-Brown Obsessive Compulsive Scale

کرد که روی هم‌رفته ۴۷/۹۷ درصد از واریانس پرسشنامه را تبیین کرد. ضریب آلفای کرونباخ برای عامل چهارگانه به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۷۹، ۰/۶۸ و ۰/۷۴ محاسبه شد. گویه ۱۱ و ۱۷ روی هیچ‌یک از عوامل سه‌گانه بارگذاری نشدند.

پرسشنامه دل‌بستگی دوجانبه: برای اندازه‌گیری دل‌بستگی به اشیاء از پرسشنامه دل‌بستگی دوجانبه به اشیاء^۱ ندلسلی و استیل^۲ (۲۰۰۹) استفاده شد. این پرسشنامه ۳۷ گویه دارد که بر روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی می‌شود. تحلیل عاملی اکتشافی دو خرده مقیاس دل‌بستگی ایمن به اشیاء بی‌جان^۳ با ۱۷ گویه و خرده مقیاس الگوهای دل‌بستگی^۴ با ۲۰ گویه را آشکار کرد. پایایی به شیوه آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۹ و برای خرده مقیاس‌های ذکر شده ۰/۸۹ و ۰/۷۳ برآورد شده است. در این پژوهش نتایج تحلیل عاملی اکتشافی ساختار دو عاملی را استخراج کرد که روی هم‌رفته ۴۶/۴۴ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می‌کرد. این دو عامل دل‌بستگی به اشیاء و فقدان دل‌بستگی به اشیاء نام‌گذاری شد. ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اول ۰/۸۸ و برای عامل دوم ۰/۷۴ برآورد شد. **پرسشنامه انسان‌نگاری:** برای اندازه‌گیری انسان‌نگاری از پرسشنامه انسان‌نگاری^۵ استفاده شد. این پرسشنامه ۲۰ گویه دارد و ۲ خرده مقیاس گویه‌های کودکی و گویه‌های کلی دارد. هر دو مقیاس همسانی درونی بالایی داشته‌اند و ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس گویه‌های کودکی ۰/۹۸ و برای گویه‌های کلی ۰/۸۶ گزارش شد (نیوا و همکاران، ۲۰۱۵). در پژوهش حاضر نتایج تحلیل عاملی اکتشافی ساختار سه عاملی را استخراج کرد که روی هم‌رفته ۴۱/۳۸ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین می‌کرد. این سه عامل تمایلات انسان‌نگارانه کودکی، تمایلات انسان‌نگارانه کلی و تمایلات انسان‌نگارانه خاص (کامپیوتر) نام‌گذاری شدند. ضریب آلفای کرونباخ برای عامل سه‌گانه به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۱ برآورد شد. برای بررسی فرضیه‌های پژوهش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل معادلات ساختاری به کار رفت.

-
1. Reciprocal Attachment Questionnaire
 2. Nedelisky and Steele
 3. attachment to inanimate objects
 4. attachment patterns
 5. Anthropomorphism Questionnaire

یافته‌ها

از مجموع ۳۰۰ پرسشنامه توزیع شده ۲۸۸ پرسشنامه واجد ملاک‌های لازم برای تجزیه و تحلیل تشخیص داده شد. آن‌گونه که در جدول ۱ مشخص است از مجموع ۲۸۸ نفر، ۱۵۵ نفر (۵۳/۸۲ درصد) دختر و ۱۳۳ نفر (۴۶/۱۸ درصد) پسر هستند. دامنه سنی آزمودنی‌ها بین ۱۵ - ۱۸ سال با میانگین سنی برابر با $16/89 \pm 1/07$ بود.

در بررسی مفروضه‌های مدل پدهازر (۱۹۸۲، نقل از اسلامی و شهابی‌زاده، ۱۳۹۵) معتقدند که یکسان نبودن پراکندگی رگرسیون‌های چند متغیری مدل‌های لیزرل را ناروا نمی‌کند و همبستگی‌های کم‌تر از ۰/۸۰ نشان‌دهنده فقدان هم خطی بودن چندگانه است. در جدول ۱ ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش به همراه شاخص‌های توصیفی متغیرها ارائه شد. ضرایب همبستگی بین متغیرهای مورد مطالعه در جدول ۱ بیان‌کننده تأیید فرضیه فقدان هم خطی بودن چندگانه است. بر اساس نتایج جدول ۱ بیشترین همبستگی بین تمایلات انسان‌نگارانه کودکی و تمایلات انسان‌نگارانه کلی و کم‌ترین همبستگی بین فقدان دل‌بستگی به اشیاء با تمایلات انسان‌نگارانه خاص (کامپیوتر) مشاهده شد.

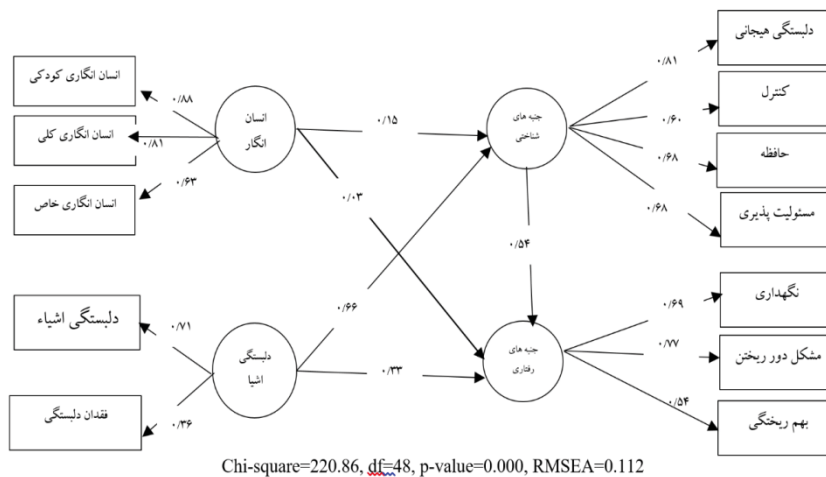
جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	۱						
۲	۰/۷۱**	۱					
۳	۰/۵۵**	۰/۵۱**	۱				
۴	۰/۳۴**	۰/۴۲**	۰/۳۲**	۱			
۵	-۰/۲۶**	-۰/۱۳*	-۰/۰۷	-۰/۲۶**	۱		
۶	۰/۴۶**	۰/۳۳**	۰/۳۷**	۰/۴۶**	۰/۳۰**	۱	
۷	۰/۳۵**	۰/۳۱**	۰/۳۵**	۰/۴۴**	۰/۱۴*	۰/۵۸**	۱
میانگین	۱۱/۵۹	۸/۸۱	۵/۶۱	۳۷/۶۵	۲۲/۳۶	۷۳/۳۵	۴۹/۲۹
انحراف استاندارد	۴/۴۲	۳/۲۰	۲/۸۲	۹/۸۶	۴/۵۶	۲۴/۳۱	۱۲/۸۹

(۱) تمایلات انسان‌نگارانه کودکی، (۲) تمایلات انسان‌نگارانه کلی، (۳) تمایلات انسان‌نگارانه خاص (کامپیوتر)، (۴) دل‌بستگی به اشیاء، (۵) فقدان دل‌بستگی به اشیاء، (۶) جنبه‌های رفتاری احتکار، (۷) جنبه‌های شناختی احتکار همبستگی‌های ** در سطح آلفای ۰/۰۱ و همبستگی‌های * در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است.

به منظور پیش‌بینی رفتارهای احتکاری الگوی مفهومی پیشنهادشده از طریق روش مدل‌یابی معادلات ساختاری بررسی شد. از روش حداکثر احتمال برآورد الگو و از بین شاخص‌های نیکویی برازش شاخص مجذوری^۲ (χ^2)، شاخص نیکویی برازش^۱ (GFI)، شاخص نیکویی برازش انطباقی^۲ (AGFI)، خطای ریشه مجذور میانگین^۳ (RMSEA) و ... برای برازش الگو استفاده شد. ضرایب مسیر مدل فرضی در شکل (۱) و ضرایب مسیر متغیرهای برون‌زا و درون‌زا در جدول ۲ ارائه شده است.

طبق داده‌های شکل ۲ اثر مستقیم انسان‌نگاری بر جنبه‌های شناختی احتکار ($\beta = 0/15$) و بر جنبه‌های رفتاری احتکاری ($\beta = 0/03$) مثبت و غیرمعنادار است. همچنین اثر مستقیم دل‌بستگی به اشیاء بر جنبه‌های شناختی احتکار ($\beta = 0/66$) مثبت و معنادار و بر جنبه‌های رفتاری احتکار ($\beta = 0/33$) مثبت و غیرمعنادار است. به علاوه جنبه‌های شناختی احتکار به طور مثبت و معنادار بر رفتارهای احتکاری تأثیر دارد ($\beta = 0/54$). همچنین انسان‌نگاری به طور مثبت و غیر معنادار جنبه‌های رفتاری احتکار را تحت تأثیر قرار می‌دهد ($\beta = 0/08$). همچنین اثر غیرمستقیم دل‌بستگی به اشیاء بر جنبه‌های رفتاری احتکار برابر با ($\beta = 0/35$) مثبت و معنادار است.



شکل ۱: ضرایب مسیر مدل فرضی در مدل‌یابی رفتارهای احتکاری

1. Goodness of Fit Index
2. Adjusted Goodness of Fit Index
3. Root Mean Square Error

جدول ۲: ضرایب مسیر متغیرهای برون‌زا و درون‌زا

پیش‌بین	ملاک	β	se	t	p
انسان‌انگاری	جنبه‌های شناختی احتکار	۰/۱۵	۰/۱۶	۰/۹۲	> ۰/۰۵
	جنبه‌های رفتاری احتکار	۰/۰۳	۰/۱۰	۰/۳۱	> ۰/۰۵
اثرات مستقیم	جنبه‌های شناختی احتکار	۰/۶۶	۰/۱۸	۳/۷۴	< ۰/۰۱
	جنبه‌های رفتاری احتکار	۰/۳۳	۰/۲۱	۱/۵۹	> ۰/۰۵
انسان‌انگاری	جنبه‌های شناختی احتکار	۰/۵۴	۰/۱۶	۳/۲۸	< ۰/۰۱
	انسان‌انگاری				
اثرات غیرمستقیم	بر جنبه‌های رفتاری احتکار	۰/۰۸	۰/۱۰	۰/۷۹	> ۰/۰۵
	از طریق جنبه‌های شناختی احتکار				
اثرات غیرمستقیم	بر جنبه‌های رفتاری احتکار	۰/۳۵	۰/۱۰	۳/۵۴	< ۰/۰۱
	از طریق جنبه‌های شناختی احتکار				

همان‌طور که در جدول ۳ مشخص است میزان RFI, AGFI, NNFI, IFI, NFI, CFI, GFI، RMSEA به ترتیب برابر با ۰/۸۹، ۰/۹۳، ۰/۹۱، ۰/۹۳، ۰/۹۱، ۰/۸۶، ۰/۸۷ و ۰/۱۱۲ به دست آمد. براون و کودک (۱۹۹۵)، به نقل از خدایی و شکری، (۱۳۸۸) خاطر نشان می‌کنند که اگرچه مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای CFI، GFI و AGFI نشان‌دهنده برازش خوب الگو با داده‌ها است، اما مقادیر بالاتر از ۰/۸۰ در این شاخص‌ها برازش قابل قبول الگو را نشان می‌دهد. به علاوه آن‌ها تأکید می‌کنند که مقادیر کم‌تر از ۰/۰۵ برای شاخص RMSEA نشان‌دهنده برازش خوب الگو با داده‌هاست و مقادیر کم‌تر از ۰/۱۰ برای این شاخص برازش قابل قبول الگو با داده‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به شاخص‌های بالا عدم برازش مدل با داده‌ها تأیید می‌شود.

جدول ۳: شاخص‌های برازندگی مدل مفهومی پژوهش

شاخص	مجذور x^2	df	GFI	CFI	RMSEA	NFI	IFI	NNFI	AGFI	RFI
برازش	۲۲۰/۸۶	۴۸	۰/۸۹	۰/۹۳	۰/۱۱۲	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۸۶	۰/۸۷

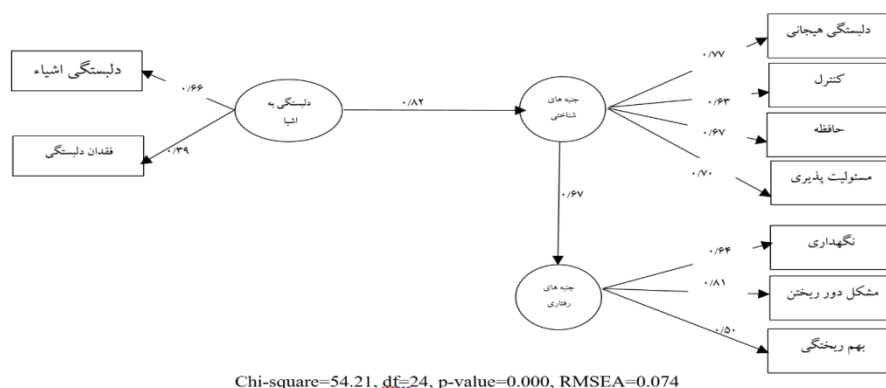
به علت نرسیدن معناداری آماری بعضی از مسیرها به معناداری عملی (۰/۳۰) \geq میرز، گامست و گارینو، نقل از دزفولی، رضایی، غضنفری و همکاران، (۱۳۹۴)، پیرایش و اصلاح مدل بر

اساس شاخص‌های اصلاح انجام شد. پس از حذف مسیر مستقیم و غیرمستقیم انسان‌انگاری به جنبه‌های شناختی و رفتاری احتکار و مسیر مستقیم دل‌بستگی به اشیاء به احتکار رفتاری به دلیل غیر معنادار بودن و همبسته کردن مسیر خطای مؤلفه نگهداری به درهم‌ریختگی رفتارهای احتکاری این اصلاح به اندازه ۱۶۶/۶۵ از مقدار χ^2 می‌کاهد و در نتیجه به مدل برازش یافته نزدیک‌تر می‌شود. برون‌داد پس از اصلاح در مقایسه با قبل از اصلاح از شاخص‌های برازش بهتری بهره‌مند بود. بر اساس شاخص‌های برازش جدید، اگرچه نتایج آزمون مجذور χ^2 کاهش قابل توجهی نشان داد، اما مشخص شد بین الگوی پیشنهادشده و مشاهده‌شده برازش وجود ندارد ($p < ۰/۰۱$ و $\chi^2_{(24)} = ۵۴/۲۱$). اگرچه متداول‌ترین شاخص برازش کامل الگو با داده‌ها χ^2 است، اما این شاخص محدودیت دارد: این آماره برازش کامل الگو با داده‌ها را بررسی می‌کند، این در حالی است که دستیابی به الگوی دارای برازش کامل با داده‌ها نادر است. دوماً برای مدل‌های با N بزرگ χ^2 همیشه از نظر آماری معنادار است و این موجب می‌شود که آماره χ^2 تقریباً همیشه مدل را رد کند (یورسکوگ و سوربوم، ۱۹۹۳، نقل از خجسته مهر، کرایبی و رجبی، ۱۳۸۹). همان‌طور که در جدول ۴ مشخص است، میزان IFI، NFI، CFI، GFI، AGFI، NNFI، RFI و RMSEA به ترتیب برابر با ۰/۹۶، ۰/۹۷، ۰/۹۶، ۰/۹۵، ۰/۹۱، ۰/۹۳، ۰/۸۷ و ۰/۰۷۴ به دست آمد. شاخص‌ها نشان می‌دهد که مدل با داده‌ها برازش دارد (جدول ۴).

جدول ۴: شاخص‌های برازندگی مدل اصلاحی پژوهش

شاخص	مجدور χ^2	df	GFI	CFI	RMSEA	NFI	IFI	NNFI	AGFI	RFI
برازش	۵۴/۲۱	۲۴	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۰۷۴	۰/۹۶	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۹۱	۰/۹۳

طبق داده‌های شکل ۲ اثر مستقیم دل‌بستگی به اشیاء بر جنبه‌های شناختی احتکار $\beta = ۰/۸۲$ و اثر مستقیم جنبه‌های شناختی احتکار بر جنبه‌های رفتاری احتکار ($\beta = ۰/۶۷$) مثبت و معنادار است. همچنین اثر غیرمستقیم دل‌بستگی به اشیاء بر جنبه‌های رفتاری احتکار برابر با $\beta = ۰/۵۵$ مثبت و معنادار است.



شکل ۲: ضرایب مسیر مدل اصلاح‌شده در مدل‌یابی رفتارهای احتکاری

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد که انسان‌انگاری و دلبستگی به اشیاء در پیش‌بینی جنبه‌های رفتاری و شناختی احتکار نقش دارند و تمایلات انسان‌انگارانه کودکی، تمایلات انسان‌انگارانه خاص (کامپیوتر) و مؤلفه دلبستگی به اشیاء پیش‌بینی‌کننده جنبه‌های رفتاری احتکار هستند. همچنین نتایج نشان داد که تمایلات انسان‌انگارانه کودکی، تمایلات انسان‌انگارانه خاص (کامپیوتر) و مؤلفه فقدان دلبستگی به اشیاء و مؤلفه دلبستگی به اشیاء پیش‌بینی‌کننده جنبه‌های شناختی احتکار هستند. یافته‌های جانبی به منظور بررسی نقش میانجی جنبه‌های شناختی احتکار در ارتباط بین انسان‌انگاری و دلبستگی به اشیاء با احتکار نشان داد که فقط متغیر دلبستگی به اشیاء در این ارتباط نقش میانجی دارد.

یافته‌های مربوط به ارتباط انسان‌انگاری با نشانگان احتکاری با یافته‌های نیوا و همکاران (۲۰۱۶)، نیوا و همکاران (۲۰۱۵)، تیمپانووشاوا (۲۰۱۳) همسو است. دلبستگی هیجانی می‌تواند در افراد دارای رفتارهای احتکاری دیده شود و باعث شود که این افراد به اشیاء و وسایل خود ویژگی‌های انسان‌انگارانه بدهند (فراست و استکتی و تولین، ۲۰۱۲). در واقع دلبستگی‌های هیجانی قوی به اشیاء، ممکن است خود را به صورت تمایل به انسان‌انگاری اشیاء یا داشتن احساس همجوشی با این اشیاء نشان دهد. در تبیین چنین نتایجی تامسون، مک اینز و پارک (۲۰۰۵) معتقدند مسأله اساسی در تعریف انسان‌انگاری، این حقیقت است که

هنگامی که یک شیء انسان انگاشته می‌شود، با آن درست همانند یک انسان رفتار می‌شود؛ بنابراین، در سطح کاملاً مفهومی، این مسأله طبیعی به نظر می‌رسد که اگر فرد برای اشیاء بی‌جان، ویژگی‌های انسانی قائل شود، در دور انداختن آن اشیاء ناتوان خواهد بود؛ بنابراین، انسان‌نگاری می‌تواند تا اندازه‌ای از احساسات ابراز شده به وسیله بیماران دارای اختلال احتکار حمایت کند مبنی بر اینکه آن‌ها نگران اشیاء خود هستند و احساس مسئولیتی را توضیح دهد که در قبال اشیاء احساس می‌کنند (که همگی مختص تعاملات انسانی‌اند). مسئولیت‌پذیری منعکس‌کننده احساس مسئولیت در قبال استفاده درست از اشیاء، حفظ سلامت اشیاء و نگرانی‌های فرد درباره استفاده بیهوده از اشیاء است (استکتی و فراست، ۲۰۰۳).

یافته‌های مربوط به فرضیه دوم پژوهش با یافته‌های نیوا و همکاران (۲۰۱۶)، مقیمی (۲۰۱۳)، گریشام و همکاران (۲۰۰۹) همسو است. این افراد اشیاء را بخشی از وجود خود در نظر می‌گیرند؛ این بدان معناست که جدا شدن از آن شیء همانند از دست دادن بخشی از وجود خود یا بخشی از گذشته‌شان است. در تبیین ارتباط بین مؤلفه‌های دل‌بستگی به اشیاء با رفتارهای احتکاری تئوری دل‌بستگی ایده مناسبی برای این ارتباط پیشنهاد می‌دهد، بر این اساس دل‌بستگی ناایمن به بزرگسال باعث گسترش و شکل‌گیری اضطراب در روابط انسانی می‌شود و چنین افرادی امنیت را در دل‌بستگی به اشیاء جستجو می‌کنند (ندلسکی و استل، ۲۰۰۹). در حمایت از این ایده تئوری دل‌بستگی، یافته‌های نیوا و همکاران (۲۰۱۶) نشان‌دهنده ارتباط بالای شاخص‌های دل‌بستگی به اشیاء با سبک‌های دل‌بستگی ناایمن بود. این بدان معناست که اشیاء با «سیگنال‌های ایمنی» مرتبط می‌شوند و افکار فرد مبنی بر دورانداختن این اشیاء، احساس ایمنی در فرد را تهدید می‌کند که این مسأله به احساس پریشانی و اضطراب در فرد منجر می‌شود (استکتی و فراست، ۲۰۰۳). در واقع افراد دارای اختلال احتکار در مقایسه با گروه عادی، دریافت احساس ایمنی، آرامش و امنیت بسیار بیشتری را از اشیاء و وسایل خود گزارش کرده‌اند.

در بحث مربوط به نقش میانجی جنبه‌های شناختی احتکار در ارتباط بین دل‌بستگی به اشیاء با رفتارهای احتکاری، رایج‌ترین تبیین بر اساس مدل شناختی رفتاری است. مدل شناختی رفتاری، رفتارهای احتکاری را به عنوان تظاهر سه رفتار تحریف‌شده در نظر می‌گیرند که عبارت هستند از درهم‌ریختگی، نگهداری و مشکل دور ریختن. مطابق با این مدل چنین

رفتارهایی از نقص‌های اساسی در پردازش اطلاعات ناشی می‌شوند، باورهای مربوط به دل‌بستگی به اشیاء، درماندگی هیجانی و رفتارهای پاسخ نتیجه این نقص‌های پردازشی است (مقیمی، ۲۰۱۳). در واقع، مشاهدات بالینی نشان می‌دهند که افراد دارای رفتاراحتکاری، ماندن در کار را دشوار می‌دانند، به آسانی توجه آن‌ها منحرف می‌شود، می‌توانند سبک‌های گفتاری سطحی را نمایش دهند، به اشیاء فیزیکی پناه می‌برند تا ترسشان را درباره‌ی یاد بردن اشیاء کاهش دهند، مشکلات زیادی در طبقه‌بندی و سازمان‌دهی به هم‌ریختگی دارند، تردید زیادی را تجربه می‌کنند، درباره‌ی اینکه چه اشیائی را نگاه‌دارند و چه اشیائی را دور بیندازند، که این تردید می‌تواند آن‌قدر آشفته‌کننده باشد که از فرایند تصمیم‌گیری به‌طور کلی اجتناب کنند. این یافته‌ها هماهنگ با فرضیه‌ی پژوهشی و یافته‌های پیش‌حمایت‌هایی را برای مفهوم‌سازی مدل‌های شناختی - رفتاری احتکار ارائه می‌دهد که فرض می‌کند باورهای مربوط به رفتارهای احتکاری هیجان‌ات منفی را تحریک می‌کند و در ادامه این تحریک هیجانی به رفتارهای احتکاری منجر می‌شود تا درماندگی را کاهش دهد. فرض بر این است که شناختارهای احتکاری به افزایش درماندگی و مشکل در تصمیم‌گیری درباره‌ی دور ریختن متعلقات منجر می‌شود و این به بی‌سازمانی و انباشت متعلقات منجر می‌شود (استکتی و فراست، ۲۰۰۳). به نظر می‌رسد که رابطه‌ی بین شناختارهای احتکاری و رفتارهای احتکاری از طریق توجه و جذابیت هیجانی افزایش می‌یابد که فرد به افکارش می‌دهد. اگر یک فرد میزان اضطرابی را که به خاطر دور انداختن، یک شیء تجربه می‌کند، بیش‌ازحد برآورد کند یا زمانی که چنین افکاری وجود دارند به لحاظ ذهنی غمگین‌تر شوند، این باعث می‌شود تا رفتارهای احتکاری تقویت شود و حلقه شناخت - رفتار تحکیم می‌شود (رید و همکاران، ۲۰۱۱).

در مجموع یافته‌های این پژوهش نشان داد که انسان‌انگاری و دل‌بستگی به اشیاء در پیش‌بینی جنبه‌های رفتاری و شناختی احتکار نقش دارد. این یافته‌ها از مدل‌های شناختی - رفتاری احتکار حمایت می‌کند و پیشنهاد می‌دهد که شناختارهای مربوط به متعلقات نقش مهمی را در رشد و حفظ مشکلات مربوط به احتکار اقلام غیرلازم بازی می‌کند. با این حال این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است. در این پژوهش جهت‌گیری‌های جنسی و سنی مدنظر قرار نگرفت. همچنین در این پژوهش برای متمایزسازی گروه‌های بهنجار و دارای اختلال احتکار هیچ نقطه‌برشی در نظر گرفته نشد و این امکان مقایسه و تعمیم نتایج به

گروه‌های دارای اختلال احتکار را مشکل می‌کند. در پژوهش‌های آتی جهت‌گیری‌های سنی و جنسی لحاظ شود. همچنین در پژوهش‌های آتی در جمع‌آوری داده‌ها از رویکردهای ترکیبی (چند روشی) از جمله شاخص‌های رفتاری اجتناب یا مصاحبه‌های تشخیصی استفاده شود، آن‌گونه که در این پژوهش مشخص شد انسان‌نگاری و دل‌بستگی به اشیاء با رفتارهای احتکاری در نمونه‌های غیر بالینی همبسته است، این یافته‌ها کاربردهایی در زمینه ارزیابی و درمان اختلال دارد. با توجه به ارتباطی که بین ویژگی انسان‌نگاری و نشانگان احتکاری وجود دارد، می‌توان از طریق تعدیل انسان‌نگاری، رفتارهای احتکاری را کاهش داد. اگر درمانگر با بیماری مواجه شود که دارای رفتارهای انسان‌نگاری افراطی است و این رفتارها منجر به دل‌بستگی قوی به اشیاء می‌شود، می‌توان شناختارهای معیوب چنین افرادی را از طریق درمان‌های شناختی رفتاری هدف قرار داد.

تقدیر و تشکر

از کلیه مسئولان محترم آموزش و پرورش شهر بیرجند و همچنین تمامی دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش صمیمانه تقدیر و تشکر می‌شود. شایان ذکر است که این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند است. از این‌رو، از زحمات کلیه مسئولان دانشگاه و به‌طور خاص معاونت پژوهشی سپاسگزاریم.

منابع

- اسلامی، نرجس و شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۵). جایگاه دل‌بستگی به همسال و اضطراب دوره نهفتگی در تدوین مدل پرخاشگری با توجه به ریشه‌های تحولی آن در کارکرد خانواده، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، ۱۲(۴): ۸۳-۱۰۰.
- حبیبی، آرش و عدنور، مریم (۱۳۹۶). مدل‌یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی (آموزش کاربردی لیزرل)، تهران: جهاد دانشگاهی.
- حجسته مهر، رضا، کرابی، امین و رجبی، غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیش‌آیندها و پیامدهای گذشت در ازدواج، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، ۶(۱): ۱۳۵-۱۶۲.
- خدایی، علی و شکری، امید (۱۳۸۸). مدل‌یابی روابط ساختاری بین صفات شخصیت، سبک‌های مقابله با تنیدگی و بهزیستی ذهنی دانشجویان دختر و پسر، فصلنامه روان‌شناسی دانشگاه تبریز، ۱۴(۳): ۱۲۰-۱۳۰.
- دزفولی، علیرضا، رضایی، مهدی، غضنفری، فیروزه، میردرونند، فضل‌الله، غلامرضایی، سیمین، مؤذنی، ترانه و هاشمی، شیما (۱۳۹۴). مدل‌یابی اختلال هراس اجتماعی بر پایه مؤلفه‌های هیجانی، شناختی و جنسیت: کاربرد تحلیل مسیر، فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، ۱۱(۳): ۳۰-۵۳.
- محمدزاده، علی (۱۳۸۸). اعتباریابی نسخه‌بازنگری شده پرسشنامه رفتار ذخیره‌ای، مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، ۱۵(۱): ۳۳-۴۱.
- Afshar, M. (2017). *Understanding possession attachment in the era of the internet of things: a comparative analysis of the nature, motivation and strength of attachment to material objects versus meta objects*, A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of design. Washington State University.
- Cherrier, C.H. and Ponnor, T. (2010). Hoarding Behavior & Attachment to Material Possessions, *Journal of Qualitative Market Research*, 13(1): 8-23.
- Dezfoli, A. M., Rezaie, M., Qazanfari, F., Mirdarikond, F., Qolamrezaie, S. and Moazeni T. (2014). Modeling Social phobia based on emotional, cognitive and gender dimension. *Psychological Studies Journal*. 11(3):29-54. (Text In Presian).
- Dozier, M.E. and Ayers, C.R. (2017). The Etiology of Hoarding Disorder: A Review. *Psychopathology, Psychopathology*, 50(5):291-296.
- Eslami, N. and Shahabizadeh, F. (2017). The Importance of peer attachment and anxiety for latency stage in aggressiveness model with its developmental origins in family efficiency, *Psychological Studies Journal*, 12(4): 83-100. (Text In Presian).

- Frost, R.O. and Hartl, T.L. (1996). A cognitive-behavioural model of compulsive hoarding, *Behaviour Research and Therapy*, 34(4): 341–35
- Frost, R.O., Steketee, G. and Tolin, D.F. (2012). Diagnosis and assessment of hoarding disorder, *Annual Review of Clinical Psychology*, 8(1): 219-242.
- Grisham, J.R., Frost, R.O., Steketee, G., Kim, H.J., Tarkoff, A. and Hood, S. (2009). Formation of attachment to possessions in compulsive hoarding, *Journal of Anxiety Disorders*, 23(3): 357–361.
- Habibi, A. and Adanvar, M. (2017). *Structural Equation Modeling and Factor Analysis (Practical training of LISREL software)*, Tehran: Publishing House Jihad University.
- Karia, A. (2017). *Technology acceptance of voice assistants: anthropomorphism as factor*, Master's Thesis. Jyvaskyla: University of Jyvaskyla. Department of Computer Science and Information Systems.
- Keefer, L.A. (2016). Is there anybody out there?: Trait anthropomorphism predicts the psychological benefits of a favorite belonging, *Journal of Individual Differences*, 37(4): 231– 238
- Khodaei, A. and Shokri, O. (2010). Modeling the Structural Relationships among Personality Traits, Stress Coping Styles and Subjective Well-being of Male and Female Undergraduate Students, *Journal Management system*, 4(16): 117-154. (Text In Presian).
- Khojasteh-Mehr, R., Koraei, A. and Rajabi, GH. (2010). A study of a proposed model for some precedents and outcomes of forgiveness in marriage, *Psychological Studies Journal*, 7(4): 155-184. (Text In Presian).
- Mathes, B.M., Portero, A.K., Gibby, B.A., King, S.L., Raines, A.M. and Schmidt, N.B. (2017). Interpersonal Trauma and Hoarding: the Mediating Role of Aggression, *Journal Affect Disord*, 227, Feb;512-516. doi: 10.1016/j.jad.
- Moghimi, Y. (2013). The Objects of Desire: A Cultural Case Study in Hoarding. *Anthropol.* 1(9): 1-6.
- Mohammadzadeh, A. (2009). Validation of Saving Inventory-Revised (SI-R): Compulsive Hoarding Measure, *Iranian Journal of Psychiatry & Clinical Psychology*, 15(1) :33-41(Text In Presian).
- Neave, N., Jackson, R., Saxton, T. and Honekopp, J. (2015). The influence of anthropomorphic tendencies on human hoarding behaviours. *Personality and Individual Differences*. 72, January; 214–219. doi.org/10.1016/j.paid.2014.08.041
- Neave, N., Tyson, H., McInnes, L. and Hamilton, C. (2016). The role of attachment style and anthropomorphism in predicting hoarding behaviours in a non-clinical sample, *Personality and Individual Differences*, 99, September; 33–37. doi.org/10.1016/j.paid.2016.04.067
- Nedelisky, A. and Steele, M. (2009). Attachment to people and to objects in

- obsessive-compulsive disorder: An exploratory comparison of hoarders and non-hoarders, *Attachment & Human Development*, 11(4): 365–383.
- Norberg, M.M., Crone, C., Kwok, C. and Grisham, G.R. (2018). Anxious attachment and excessive acquisition: The mediating roles of anthropomorphism and distress intolerance, *J Behav Addict*, 7(1):171-180
- Pertusa, A., Frost, R.O., Fullana, M.A., Samuels, J.F., Steketee, G. and Tolin, D.F. (2010). Refining the diagnostic boundaries of compulsive hoarding: A critical review, *Clinical Psychology Review*, 30(4): 371–386.
- Rauschnabel, P.H. A. and Ahuvia, A.C. (2014). You're so lovable: Anthropomorphism and brand love, *Journal of Brand Management*, 21(5):372–395
- Reid, J.M., Arnold, E., Rosen, S., Mason, G., Larson, M.J., Murphy, T.K. and Storch, E.A. (2011). Hoarding behaviours among nonclinical elderly adults: Correlations with hoarding cognitions, obsessive-compulsive symptoms, and measures of general psychopathology, *Journal of Anxiety Disorders*, 25(8): 1116-1122.
- Samuels, J.F., Bienvenu, O.J., Grados, M.A., Cullen, B., Riddle, M.A., Liang, K.Y. and Nestadt, G. (2008). Prevalence and correlates of hoarding behaviour in a community-based sample, *Behaviour Research and Therapy*, 46(7): 836–844.
- Shaw, A.M. (2013). *An Experimental Investigation of the Relationship between Hoarding and Stress*. Thesis Submitted to the Faculty of the University of Miami in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science. Coral Gables, Florida.
- Steketee, G. and Frost, R.O. (2003). Compulsive hoarding: Current status of the research, *Clinical Psychology Review*, 23(7):905-927.
- Thomson, M., MacInnis, D. and Park, C. (2005). The ties that bind: Measuring the strength of consumers' emotional attachment to brands, *Journal of Consumer Psychology*, 15(1): 77-91.
- Timpano, K.R. and Schmidt, N.B. (2010). The association between hoarding and self control, *Cognitive and Behavioural Practice*, 17(4): 439–448.
- Timpano, K.R. and Shaw, A.M. (2013). Conferring humanness: The role of anthropomorphism in hoarding, *Personality and Individual Differences*, 54(3): 383–388.
- Van Epps, J.J. (2015). *self-compassion in psychotherapy: predicting change in college counseling center clients*. A Dissertation in Counseling Psychology. The Pennsylvania State University.
- Wang, W. (2017). Smartphones as Social Actors? Social dispositional factors in assessing anthropomorphism. *Computers in Human Behavior*.68, March; 334-344. doi.org/10. 1016/j.chb.2016.11.022

Abstracts

Psychological Studies
Faculty of Education and Psychology,
Alzahra University

Vol.14, No.3
Autumn 2018

**The Relationship Between Anthropomorphism and Attachment
to Objects with Hoarding Behaviors: Mediating Role of Saving
Cognitions**

Fereshteh Dehghani Darmiani* , Ghasem Ahi** and

Fatemeh Shahabizadeh***

Abstract

The present study was conducted to investigate the role of anthropomorphism and attachment to objects in predicting hoarding behaviors. The research method was descriptive correlational. The statistical population included all high school students in the city of Birjand in the academic year of 2016-17. 288 students were selected by multi-stage random sampling method. Data were collected by revised Saving Behavior Inventory, Saving Cognitions questionnaire, Bilateral Attachment Questionnaire and anthropomorphism questionnaire. Data were analyzed using Pearson correlation coefficient and structural equations modeling. Findings showed that attachment to objects has a positive and significant relationship with aspects of hoarding, while anthropomorphism has no relation with cognitive and behavioral aspects of hoarding. Findings related to the role of mediator showed that in the proposed model, only the attachment variable to the objects in this relationship has a mediating role. These findings support the cognitive-behavioral models and suggest that cognitions related to belongings play an important role in the development and maintenance problems related to hoarding.

Keywords:

Anthropomorphism, attachment to objects, cognitive and behavioral aspects of hoarding

* Master of Clinical Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran

** Assistant Professor, Department of Birjand, Islamic Azad University, Birjand, Iran

*** Assistant Professor, Department of Psychology, Birjand Branch, Islamic Azad University, Birjand, Iran

received: 2017-09-14

accepted: 2018-11-04

DOI: 10.22051/psy.2018.17224.1488